

• یادداشت •
«علی‌حیدری»

محو شکاف طبقاتی با اخذ مالیات‌های اجتماعی

یکی از قوانین مترقی نیم‌قرن گذشته که در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی است که متأسفانه نه تنها به بخش زیادی از آن عمل نشد؛ بلکه حتی به‌نظر می‌رسد موردتوجه و حتی خوانش نیز قرار نگرفت. قانون مزبور، ترجمان رویکرد عدالت‌خواهانه قانون اساسی است که حق مردم برای برخورداری از تامین اجتماعی را به رسمیت شناخت و تحقق آن را برای آحاد مردم، به‌طور اعم و برای اقشار و گروه‌های هدف، به‌طور اخص، جزء وظایف، تکالیف و ماموریت‌های اصلی دولت و حاکمیت دانست.

در ماده یک این قانون، از رویداد (مخاطره، ریسک، حادثه و ...) سخن به میان آمده است و به مجموعه‌ای از رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن، اشاره شده است که می‌تواند بر کیفیت زندگی مردم تأثیرات نامساعد بگذارد و حاکمیت و دولت، مکلف شده‌اند که از مردم، در مقابل این مخاطرات، حمایت و صیانت کنند و بسته به نوع رویداد و نحوه وقوع و بروز آن، از مکانیسم‌های «امدادی»، «حمایتی و توانبخشی» و «بیمه‌ای» در این مسیر بهره بگیرند. بدیهی است در مواردی که افراد، توانایی مالی مشارکت در توزیع و مدیریت ریسک خود را داشته باشند، در نظام بیمه‌ای مشارکت می‌کنند و در صورت احراز ناتوانی آنها، با استفاده از منابع عمومی (انفال، منابع دولتی، مالیات و ...) این خدمات در سطح پایه، باید از سوی دولت، برای آسان‌تأمین و تضمین شود. می‌خواهیم ببینیم رویدادهایی که باید از مردم در برابر آنها صیانت و حمایت شود، چه وقایعی هستند؟ نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که در ادبیات قانون اساسی و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، از مقولات «حق» (مردم) و «تکلیف» (دولت و حاکمیت) استفاده‌شده و حاکمیت، مکلف است در هر حال، سطح پایه و حداقل کیفیت زندگی را برای همه تأمین و تضمین کند و نمی‌توان کمبود منابع یا رویکردهای صنعت-بازار و یا صرفاً محاسبات اقتصادی- را در این زمینه، ملاک تصمیم‌گیری قرار داد و این تکلیف دولت، کمک یا مساعدت و رحمت و لطف دولت نیست، بلکه ادای وظیفه و استیفای حقوق اجتماعی و حقوق شهروندی افراد نیازمند است.

از «حواث طبیعی و قهری» که بگذریم، می‌توان رویدادهایی را که باید مردم از طریق نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، در برابر آنها صیانت شوند، به شرح زیر فهرست و دسته‌بندی کرد:

۱- مخاطره: برخی از مصوبات دولت و مجلس و اقدامات و فعالیت‌های بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و... کشور و حتی در مواردی عدم اقدام و عدم اتخاذتصمیم به‌موقع دولت و مجلس، می‌تواند کیفیت زندگی تمام یا بخشی از مردم را به مخاطره بیندازد. به‌طور مثال، کوچک‌سازی دولت و برون‌سپاری، خصوصی‌سازی، تغییر پایه پولی، ایجاد تورم یا رکود یا عدم ممانعت از بروز آنها، واردات و صادرات و ... می‌تواند بر اشتغال، درآمد، قدرت خرید، سلامت روحی، جسمی و روانی و ... مردم تأثیر بگذارد.

۲- مداخله: در مواردی، دولت و مجلس و به‌طور کلی حاکمیت، می‌خواهد بنا بر سیاست‌های خود، در برخی از حوزه‌ها مداخله کند. به‌طور مثال، افزایش جمعیت یا تشویق ازدواج، حمایت از اتباع برخی کشورها که در ایران حضور پیدا کرده‌اند، تغییر رویکرد یا رانپر دازی، تعدیل نیروهای انسانی، افزایش پرداختی به یک قشر خاص -مثلاً پزشکان- و مواردی از این دست، برای افراد و خانواده‌ها و برخی نیز برای سازمان‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای، دارای بار مالی است.

۳- مبادله: در مواردی، دولت و مجلس می‌خواهند یا مجبورند مبادلاتی با خارج از کشور (واردات کالا و ...) یا برخی بخش‌ها در داخل کشور (بخش خصوصی، صاحبان بنگاه‌ها، برخی اقشار و صنوف خاص و ...) داشته باشند و یا اینکه با عدم اقدام به‌موقع و مناسب، باعث برخی مبادلات ناخواسته می‌شوند (قاجاقی کالا و ارز و ...) و این به‌ضرر برخی از اقشار و گروه‌های هدف است.

سامانه «کارا» راه‌اندازی شد

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سامانه‌ای به نام «کارا» را رونمایی کرد. در این سامانه، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران متقاضی راه‌اندازی کسب‌وکار در مناطق روستایی و عشایری، طرح خود را به ثبت می‌رسانند و وزارت کار نیز در کمتر از یک ماه، به آنها رسیدگی می‌کند. هدف از راه‌اندازی این سامانه، حمایت از توسعه اشتغال مناطق روستایی و عشایری دارای ظرفیت اعلام شده و آن‌طور که عیسی منصوری، معاون اشتغال وزارت کار گفته، به سرمایه‌گذاران و کارآفرینان، در دو حوزه اشتغال فراگیر، و روستایی و عشایری، تسهیلاتی اعطا می‌شود. اعتبار درنظر گرفته‌شده برای این منظور، ۱۲ هزار میلیارد تومان است و از محل صندوق توسعه ملی و نظام بانکی، تأمین می‌شود.



پرس‌ای در ایدمها وانديشه‌ها

الزامات اصلاح صندوق‌ها و رفع تنگنای نظام بازنشستگی در گفت وگو با سید محمد عباس زادگان

پدر دلسوز می‌خواهیم



دکتر سیدمحمد عباس زادگان بر این باور است دولت و صندوق‌ها باید در درجه اول با تبعات بحران صندوق‌ها کنار بیایند و با مسئولیت‌پذیری بیشتر، چالش‌ها و مشکلات این حوزه را حل کنند / طرح: جمال رحمتی

زخم‌های نظام بازنشستگی ایران، چند سالی است که سر باز کرده؛ کسری‌های بودجه‌ای صندوق‌های بازنشستگی و تغییر کارکرد ذاتی آنها، به زنجیره‌ای از مشکلات فراگیرتر ختم شده و عده‌ای هم از آن به عنوان «ابرچالش» یاد می‌کنند. صندوق‌ها سال‌ها اسیر زنجیره سیاست بودند و حالا چند سالی است علانم بحران خود را جدی تر نشان داده‌اند. وابستگی بیش از اندازه صندوق‌ها به دولت، مطالبات عقب افتاده تأمین اجتماعی، معافیت‌های بیمه‌ای تحمیلی به سازمان، سرنوشت میلیون‌ها شاغل و بازنشسته و از آن مهم‌تر، تهدیدی که ساخت اقتصادی و اجتماعی کشور احساس می‌کند، همه اصحاب نظر و عمل را به فکر فرو برده که چگونه به پشتوانه تحقیقات و پژوهش‌های مفصلی که در باره صندوق‌ها انجام شده، راه‌حلی منطقی برای ایستادگی در مقابل بحران و برون رفت از وضعیت کنونی بیابند. اگر چه در بروز وضعیت کنونی صندوق‌ها، نمی‌توان از بخشی از رفتارهای نهاد دولت و نیز قانون گذاران در گذشته به سادگی گذشت، کارشناسان راه برون رفت را تنها یک

■ جناب آقای دکتر عباس زادگان! صندوق‌های بازنشستگی در کشور مادر مدار بحران قرار دارند. برخی از صندوق‌ها با ورشکستگی، فاصله کمی دارند و برخی دیگر هم اگر تمهیداتی اندیشیده نشود، به سرنوشت دشواری دچار می‌شوند، چه عواملی در بروز و تشدید مشکلات صندوق‌ها موثر بوده‌اند؟
در اینکه صندوق‌های بازنشستگی کشور ما مشکل دارند، تردیدی نیست؛ منتها به نظر می‌رسد فضا سازی منفی درباره صندوق‌ها، موجب نوعی ناامیدی و دل نگرانی در میان مردم می‌شود و نباید در این نوع بررسی‌ها افراط کرد. این موضوع، به‌خصوص برای مدیران و سیاست‌گذاران، حائز اهمیت است. پررنگ کردن بحران‌ها هنر نیست. مدیران ما منصوب شده‌اند که بحران‌ها را تشخیص دهند و برای آنها چاره‌جویی کنند. اولین نکته این است که برای حل اشکالات صندوق‌های بازنشستگی، احتیاج به کار کارشناسی و تدبر و تفکر و هم‌اندیشی و دیدن تجارب سایر کشورها داریم. اینکه مدیران ما رتبه کشور را در حوزه‌های مختلف -از فرسایش خاک گرفته تا فضای کسب‌وکار- برجسته کنند و موفقیتی برای آنها به‌دست نمی‌آورد. در بحران صندوق‌ها، ابتدا باید سراغ شناسایی علت اصلی بحران رفت و دید که چطور می‌شود در درجه نخست، جلوی آن را گرفت

و دوم با روش‌هایی آن را ترمیم کرد. در بحران صندوق‌ها، چند علت وجود دارد؛ یکی عدم پرداخت به‌موقع سهم دولت به صندوق هاست. دولت، از آنجا که تعهدات خود را یا به موقع پرداخت نکرده یا اصلا اهمیتی به پرداخت آن نداده، به واگذاری املاک و واحدهای اقتصادی و تولیدی ناکارآمد به صندوق‌ها اقدام کرده که همین روش‌ها، سبب تشدید بحران شده است. دولت هم تقصیری نداشته است. منابعش کم بوده؛ منتها از طرف دیگر مدیریت اقتصادی بر امکاناتی که به تأمین اجتماعی و دیگر صندوق‌ها سپرده شده، در مقطعی نامناسب بوده است. دلیل این موضوع نیز انتخاب مدیران اجتماعی-سیاسی، برای اداره واحدهایی بوده که اساساً رسالت اصلی آنها سودسازی است. طبیعی است آدم‌های سیاسی-اجتماعی، اندیشه سیاسی و اجتماعی دارند و هرگونه تصمیم‌گیری را از همین زاویه می‌بینند و نه زاویه اقتصادی اولین قدم در محدودکردن بحران صندوق‌ها این است که امکانات و

مقدورات، به دست افرادی اداره شوند که تجربه و دانش اقتصادی و مدیریتی کافی داشته باشند. این نوع تجربه، با بنگاهداری دولتی متفاوت است. وقتی در دولت کار می‌کنید، وابسته به دولت هستید، اما در سازمان‌هایی که براساس اصول بنگاهداری اداره می‌شوند، هر یک رyalی که هزینه می‌کنید، باید از قبل برای آن منابع ساخته باشید. چون منابع دیگری نداریم. نکته دیگر اینکه صندوق‌های بازنشستگی و



یکشنبه ● ۲۴ دی ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و هفت

